جایگاه اساطیری ملمداس در گستره‌ی اساطیر آب

سارا عباسی*

تاریخ دریافت:۹۸/۰۹/۱۳
تاریخ پذیرش:۹۸/۱۲/۰۵

چکیده

ملمـداس زنـی زیبـا و اغواگـر اسـت که با بـوی معطـر و آوازه‌خوانی، مـردان را به سـوی خود جـذب می‌کنـد و آنهـا را در میـان پاهای ارّه‌ای خـود قطعه قطعه می‌کند. این اسـطوره مربوط به حوزه‌ی خلیج فارس اسـت و مشـابهتی با سـیرن‌های یونان دارد. این پژوهش، توصیفی تحلیلی اسـت که با هدف دریافت جایگاه اسـطوره‌ای این شـخصیت و شـناخت ریشـه‌های شـکل‌گیری آن انجام شـده اسـت. در بررسـی اسـطوره بـودن ملمداس با توجـه به نگاه نظریه‌پـردازان، چنین برداشـت می‌شـود که این مورد، تولد دوباره‌ای از آناهیتاسـت. در بررسـی ظاهری و خویشـکاری ملمـداس بـا آناهیتـا، بـه دوگانگی و تقابـل دو اسـطوره با یکدیگر می‌رسـیم. چنان که برداشـت می‌شـود، ملمداس بیانگر دوره‌ی گذر از مادرسـالاری و رسـیدن به دوره‌ی پدرسـالاری اسـت که بـه گونه‌ای، خشـم طبیعت از انسـان را بیـان می‌کند.

کلیدواژه‌ها: ملمداس، اسطوره، زن، آب، آناهیتا.

* مدرس دانشکده‌ی فنی و حرفه‌ای فاطمیه بندرعباس، کارشناس ارشد کارگردانی انیمیشن دانشگاه سوره تهران.
Saraabbasi2050@gmail.com

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-03]

۱ـ مقدمه

استان هرمزگان، وامدار فرهنگ غنی ایرانی است که با کاووش در باورهای مردم و افسانه‌های رایج آن، همچنین اسامی انتخاب شده برای شهرها و روستاهای واقع در این منطقه، می‌توان ردپای عمیقی از سنت‌ها و آیین‌های زرتشتی و پیش از زرتشت را با استناد اثبات کرد. غنی بودن منطقه از داستان‌ها و افسانه‌های منطبق با این اقلیم، ذهن را به این مهم سوق می‌دهد که بین افسانه یا اسطوره بودن، کدام را باید انتخاب کرد. در این مقاله، به بررسی جایگاه ملمداس در مقایسه با آناهیتا پرداخته شده‌است. خاستگاه این اسطوره، حاشیه‌ی خلیج فارس و دریای عمان است. ملمداس زنی است زیبا که در شب‌های مهتابی، دامنی پوشیده از سکه‌های طلا (اشرفی) بر تن می‌کند و بر بلندای قله‌ای آواز می‌خواند؛ بوی معطرش در فضا می‌پیچد و با صدای زیبایش، طعمه‌های خود را جذب می‌کند. مردانی که مسحور عطر و زیبایی او شده و برای هم آغوشی راهی می‌شوند، سرنوشتی جز قطعه قطعه شدن بین پاهای ارّه‌ای ملمداس نخواهند داشت. اگر کسی به حربه‌ی این زن آگاه باشد، باید مشتی خاک به چشمان او بپاشد و صندوقچه‌ی جواهری را که ملمداس هنگام هم آغوشی به زیر سر می‌گذارد، بردارد و بگریزد. در باور مردم، شب‌هایی که ماه کامل نیست، این زن تا نیمه از آب دریا خارج می‌شود و با اغواگری، دریانوردان را به کام مرگ می‌کشاند. باور دیگری که پیرامون این اسطوره وجود دارد، نامیرا بودن اوست. ملمداس هر سال در آشیانه‌ی خود که سرتاسر آن را اسکلت‌های پوسیده‌ی طعمه‌هایش در برگرفته‌است می‌نشیند و همانند مار پوست می‌اندازد و جوان‌تر و زیباتر از پیش به حیات خود ادامه می‌دهد. مسأله‌ی قابل پرداخت، تمیز اسطوره و افسانه بودن این شخصیت است؛ از طرفی یکی از وجوه مورد بررسی، چندگانه بودن شخصیت ملمداس است. فرض می‌شود ملمداس تولد دوباره‌ی آناهیتا در دوره‌ی پدرسالاری است.

۲ـ روش تحقیق

روش تحقیق از نوع توصیفی و تحلیلی است. اطلاعات موردنیاز این پژوهش نیز از دو روش کتابخانه‌ای و اسنادی جمع‌آوری شد. برای جمع‌آوری اطلاعات مربوط به کلیات موضوع، پیشینه‌ی تحقیق و تاریخچه‌ها نیز از کتب، مقالات علمی و سایت‌های داخلی استفاده شد.

۳ـ ملمداس اسطوره یا افسانه

اگر بخواهیم به مسأله‌ی اسطوره یا افسانه بودن ملمداس بپردازیم، باتوجه به گفته‌ی اسماعیل‌پور در کتاب «اسطوره، بیان نمادین»: «اسطوره عبارت است از روایت و جلوه‌ای نمادین درباره‌ی ایزدان، فرشتگان، موجودات فوق طبیعی و به طور کلی جهان‌شناختی که یک قوم به منظور تفسیر خود از هستی به کار می‌بندد ... و به گونه‌ای نمادین، تخیلی وهم انگیز می‌گوید که چگونه چیزی پدید آمده، هستی دارد یا از میان خواهد رفت و در نهایت اسطوره به شیوه‌ای تمثیلی کاوشگر هستی است.»

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-03]

(اسماعیل‌پور، ۱۳۷۷: ۱۴-۱۳). با توجه به این مورد ذکر شده، می‌توان چنین برداشت کرد که زیستن در مجاورت دریا و مشغول بودن به دریانوردی که لازمه‌ی آن دور بودن از محیط خانواده است، بستری مناسب فراهم می‌سازد برای تولد چنین اسطوره‌ای هماهنگ با دغدغه‌های ذهنی مردمانی که در بطن آن قرار گرفته‌اند. مردانی که دور از همسر و محیط خانواده، در حال امرار معاش هستند و زنانی که در نبود همسرانشان، ترس از خیانتی احتمالی بر آنها غالب می‌شود. این زنان، پردازنده‌ی تخیلاتی بودند که حاصلش خلق اسطوره‌ای منطبق با زندگی آنهاست. ساختار سمبولیک ملمداس در قالب زنی زیبا که مرگ بر آن تأثیری ندارد و راه دفاع انسان در مقابل آن بسته می‌شود، هم شکل بودن خصلت ذاتی ملمداس با مار که از اهریمنان است و برای امتداد زندگی پوست می‌اندازد، خود بیانگر نزدیکی ملمداس به اثبات اسطوره بودن خویش است. ذات فریبنده‌ی این مخلوق از آوازخوانی، مصداق سیرن‌ها در داستان ادیسه است. ادیسه با پر کردن گوش ملوانان از شمع و بستن خود بر دکل کشتی، راه را بر حربه‌ی سیرن‌ها بست و کشتی خود را نجات داد. مرد درگیر با ملمداس، باید با مشتی از خاک او را شکست دهد؛ مبارزه‌ای تنگاتنگ و نزدیک‌تر به خطر در مقابل برخورد ادیسه با سیرن‌ها در این داستان شکل می‌گیرد.

همسو بودن سمبولیک این موجودات با نحوه‌ی زندگی مردم، نیازها، نحوه‌ی معیشت و مراودات و مبادلات تجاری، بر اثبات جایگاه اسطوره‌ای آن تأکید می‌کند؛ چنان که به گفته‌ی رزنبرگ «اسطوره‌ها، بیانگر و منعکس‌کننده‌ی طبیعت آدمی هستند با تمامی نیازها و خواسته‌ها، آرزوها، امیدها و بیم و هراس‌های آن.» (روزنبرگ، ۱۳۷۹: ۱۵).

۴ـ آب، خاستگاه اساطیر

آب، سرچشمه‌ی بسیاری از اساطیر ایرانی است. اهمیت آن در باورهای میتراپرستی و آناهیت‌پرستی چنان پر رنگ است که بخش عظیمی از باورها و آیین‌های مردم باستان را آداب و رسوم مربوط به آب در بر می‌گیرد. قداست آب در باورهای ایرانیان تا آنجاست که مکان اهورایی و مطمئنی برای نطفه‌های زرتشت محسوب می‌شد که دور از دسترس اهریمنان بوده است (قرشی، ۱۳۸۰: ۲۲۶-۲۱۱). یونانیان باستان، ستایش آب را به ایرانیان نسبت می‌دادند؛ چنان که در تاریخ «هرودوت» گفته شده: ایرانیان برای آب، مراسم‌هایی همراه با قربانی و فدیه داشته‌اند (یاحقی، ۱۳۷۵: ۲۹). زیستگاه ملمداس در کنار آب است؛ شب‌های مهتابی از دریا بیرون می‌آید، با دامنی طلاپوش بر بلندای صخره‌ای می‌ایستد و آواز می‌خواند. در اساطیر ایران، آب با ارجاع به ایزدبانو آناهیتا عنصری مؤنث به شمار می‌آید. در نمادشناسی اسطوره‌ای، ماه به دلیل تأثیراتی که بر جزر و مد آب می‌گذارد، در خانواده‌ی نشانه‌ها و عناصر مادینه قرار می‌گیرد. همزمانی آب، ماه و زن در این داستان همچنین تأکید بر بعد زنانه‌ی ملمداس، ذهن را به ایزدبانوی آب‌ها آناهیتا و آیین‌های آناهیت‌پرستی معطوف می‌کند.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-03]

۵ـ ملمداس ایزدبانوی تازه تولد یافته

آب و زن، دو عنصر جدای نشدنی از هم، نقش پر رنگی در اساطیر ایران و جهان بازی می‌کند. اهمیت آناهیتا به عنوان مادر آب، بر کسی پوشیده نیست و قداستی که آناهیتا به عنوان الهه‌ی آب حتی تا دوران پدرسالاری با خود به همراه آورده، دال بر قدرت این اسطوره است. در دوران مادرسالاری، زن به عنوان موجودی مقدس در جایگاه والایی قرار داشت. زن به عنوان مادر و تربیت‌کننده‌ی فرزند و مدیریت مهم‌ترین مسائل خانه در زمان دوری مردان، زمام‌دار خانواده بود. نحوه‌ی معیشت خانواده که از راه کشاورزی گذران می‌شد و ارتباط کشاورزی با آب و زن، خود تأکیدی بر جایگاه زنان است. با گذر از دوره‌ی مادرسالاری و ورود به دوره‌ی پدرسالاری، نقش زنان تغییر یافت. الهه آناهیتا با توجه به نقش پر رنگ خود، همچنان از اهمیت برخوردار بود؛ اگرچه از قدرت او نسبت به دوره مادرسالاری کاسته شده بود، با توجه به گفته‌ی هریسون «ایزدبانوی بزرگ به ایزدبانوان کوچک‌تر تقسیم شد و هر ایزدبانوی تازه تولد یافته، بخشی از ویژگی‌های ایزدبانوی بزرگ را به خود اختصاص داد (Harrison, 1963: 49). در دوره‌ی پدرسالاری که مصادف بود با شکل‌گیری تمدن و شهرنشینی شیوه‌های زندگی تغییر کرد و کشاورزی، جایگاه خود را به تجارت داد. اسطوره‌ی مورد بحث که مربوط به حوزه‌ی خلیج فارس است، از جایی برخاسته که به دلیل شرایط آب و هوایی، کشاورزی در آن رونق کمتری دارد و جایگاه اصلی معیشت به واسطه‌ی دریانوردی، مربوط به تجارت است. پس می‌توان چنین برداشت کرد که سرعت شکل‌گیری پدرسالاری در این مناطق، نسبت به جاهای دیگر بالاتر بوده‌است. ملمداس، اسطوره‌ی تطبیق‌یافته با زندگی و فرهنگ مردمی است که تکیه‌گاه کسب درآمد آنها دیگر از نخل‌داری و کشاورزی نیست و آنچه در اولویت است، کسب درآمد از دریا و تجارت است. تغییر یافتن ماهیت آناهیتا به عنوان الهه‌ی آب‌های شیرین به ملمداس ساکن در آب‌های شور که از جهتی نگاهی ستیزه‌جو به ماهیت زن دارد و در عین حال نیز نمی‌تواند از قدرت زن چشم‌پوشی کند گویا بیانگر تولد ایزدبانویی کوچک‌تر از ایزدبانویی بزرگ است که قداست خود را به قهر و کینه‌جویی از مرد بدل کرده‌است.

۶ـ وجه ظاهری و باطنی آناهیتا و ملمداس

خدابانوی آب در اسطوره‌ی ایرانی، با نام کامل اردویسورناهیتا به معنی رود (آب) نیرومند پاک است که با این الهه مفاهیمی چون آب، باران، فراوانی، رستنی‌ها، حاصلخیزی، برکت، زناشویی، عشق، مادری، زایش و پیروزی همراه است ... طبق توصیفی که از آناهیتا در اوستا شده، او تاج هشت‌پر صد ستاره‌ای بر سر، جامه‌ای زرّین بر تن و گردنبند زرّینی نیز بر گردن دارد (یاحقی، ۱۳۸۸: ۸۱۴).

تطبیق زیبایی ملمداس با ویژگی‌هایی که از آناهیتا بیان شده، در یک سمت و سو است. در آبان‌یشت اوستا، آناهیتا زنی زیبا، جوان، خوش‌اندام و بلند بالا دانسته شده که قدمت ستایش او به دوره‌های بسیار دور و حتی به پیش از زردشت می‌رسد. (آموزگار، ۱۳۷۴: ۲۱-۲۲). اما بُعد معصوم و مقدس آناهیتا به گونه‌ای دیگر در ملمداس

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-03]

نمـود یافته‌اسـت؛ موجـود زیبایـی کـه با داشـتن ظاهـری زنانـه و جادویـی، در مقابـل تصاحبی کـه او را تهدیـد می‌کنـد، بـا حربـه‌ای جنگ‌جویانـه و انتقام‌جویانـه نمـود می‌یابـد. اگـر بـه بُعـد مقـدس آناهیتـا نگاهـی بیافکنیـم، اسـطوره‌ی جدیـد نقـش متفاوتـی را بـازی می‌کنـد. از طرفـی، بـا شـهوت مردانـه نقشـی سـتیزه‌جویانه می‌پذیـرد و از سـوی دیگـر، طعمـه را بـه سـوی خویـش دعـوت می‌کنـد.

ملمـداس در وجـه ظاهـری خـود از جملـه زیبایـی، پوشـش و زیسـتن در کنـار آب، بـه آناهیتـا شـباهت دارد؛ امـا در بعـد باطنـی، نقطـه‌ی مقابـل این اسـطوره اسـت. در تحلیـل مورد پژوهشـی، هیـچ گونـه اثـری از عشـق، مـادری، زایـش و ... دیـده نمی‌شـود و تمـام رفتارهـا در نقطـه‌ی عکـس آناهیتـا قـرار می‌گیـرد؛ مـرگ در مقابـل زایـش، کینه‌تـوزی مقابـل عشـق و شـهوت در مقابـل معصومیـت قـرار گرفته‌اسـت (گویـا ملمـداس در نقـش الهـه‌ی قهـر کرده‌ی آب، بـر انسـان ظاهـر می‌شـود و قصـد دارد انتقـام ناپاکـی، بی‌توجهـی بـه نعمـت و پشـت کـردن بـه زن را در جامعـه‌ی پدرسـالار بگیـرد!)

۷ـ فدیه و قربانی

بـه گفتـه‌ی مورخـان یونانـی، قربانی‌هـا و فدیه‌هـای بسـیاری بـه آناهیتـا تقدیـم می‌شـد (بنونیسـت، ۱۳۷۷: ۳۹). شـهریاران و پهلوانـان نـام‌آور ایرانـی بـرای دسـت یافتـن بـه پیـروزی در مقابـل دشـمنان، هدایـا و فدیه‌هایـی نـزد آناهیتـا می‌بردنـد کـه بـه گفتـه‌ی دومزیـل، ایـن موضـوع عـلاوه بـر اینکـه جایـگاه والا و ارجمنـد ایـن الهـه را نشـان می‌دهـد، بیانگـر خویشـکاری جنـگاوری اوسـت (دومزیـل، ۱۳۸۵: ۱۲۳). دریافـت فدیـه و قربانـی توسـط آناهیتـا، مقابـل جعبـه‌ی جواهـری قـرار می‌گیـرد کـه ملمـداس بـا خـود بـه همـراه دارد و بایـد بـه عنـوان بهـا در برابـر فریفتـه نشـدن مـردی کـه بـه او نزدیـک می‌شـود، پرداخـت کنـد. آناهیتـا، الهـه‌ی بازمانـده از دوره‌ی مادرسـالاری در تجـدد و تولـد دوبـاره‌ی خـود در هیبـت ملمـداس، هدایـا و فدایـای از پیـش گرفتـه‌ی خـود را در قالـب زنـی اغواگـر پرداخـت می‌کنـد. جعبـه‌ی جواهـر ملمـداس کـه در تعبیـری می‌توانـد هدایـای بازمانـده از دوره‌ی مـادر سـالاری باشـد، در ایـن قالـب جدیـد بـه عنـوان وامـی بـاز پـس گرفتـه می‌شـود، امـا ایـن بازگشـت در جهـت چشم‌پوشـی از غریـزه‌ی مردانـه حاصـل می‌شـود. در داسـتان آناهیتـا، مـرد جنـگاور بـرای پیـروزی بـه الهـه فدیـه و قربانـی می‌دهـد، امـا در تولـد جدیـد، مـرد پیـروز هدیـه را دریافـت می‌کنـد و مـرد شکسـت خـورده قربانـی می‌شـود.

نتیجه‌گیری

ملمـداس، مصـداق تولـد دوبـاره‌ی آناهیتـا در قالبـی کوچک‌تـر اسـت. اسـطوره‌ای کـه بـا توجـه بـه ترس‌هـا، نیازهـا و نگـرش یـک قـوم در قالـب یـک موجـود فـوق طبیعـی جلـوه می‌یابـد. بـا بررسـی ردپـای ملمـداس در اسـاطیر یونـان، می‌تـوان بـه مشـابهت بـا سـیرین‌ها رسـید. امـا در مطالعـه و بررسـی خویشـکاری آن بـا اسـاطیر ایرانـی، بـه تطابـق ویژگی‌هـای ظاهـری و تقابـل خصلت‌هـای باطنـی آن بـا آناهیتـا برمی‌خوریـم. زیبایـی، پوشـش طـلا آذیـن و زیسـتن در کنـار آب، از شـباهت‌های ظاهـری دو اسـطوره اسـت. امـا آنچـه در تقابـل

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-03]

دو اسطوره می‌توان یافت، اغواگری، ویرانگری، شهوت و مقابل برکت و فراوانی بودن ملمداس در برابر معصومیت، قداست، مادری و زایندگی آناهیتاست. همچنین گرفتن فدیه و قربانی توسط آناهیتا از دست جوانمردان و جنگجویان و گرفته شدن جواهرات و گنجینه‌ی ملمداس توسط مردها را می‌توان به عنوان نشانه‌های گذر از دوره‌ی مادرسالاری به دوره‌ی پدرسالاری برشمرد.

منابع و مآخذ

آموزگار، ژاله (۱۳۷۴)، *تاریخ اساطیری ایران*، چاپ اول، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.

اسماعیل‌پور، ابوالقاسم و بهار، مهرداد (۱۳۷۷)، *از اسطوره تا تاریخ*، چاپ هفتم، تهران: چشمه .

بنونیست، امیل (۱۳۷۷)، *دین ایرانی بر پایه‌ی متن‌های معتبر یونانی*، ترجمه‌ی بهمن سرکاراتی، چاپ سوم، تهران: قطره.

دومزیل، ژرژ (۱۳۸۵)، *اسطوره و حماسه در اندیشه‌ی ژرژ دومزیل*، ترجمه‌ی جلال ستاری، چاپ دوم، تهران: مرکز.

روزنبرگ، دانا (۱۳۷۹)، *اساطیر جهان: داستان‌ها و حماسه‌ها*، ترجمه‌ی عبدالحسین شریفیان، ج ۱، تهران: اساطیر.

ـــــــــــ . (۱۳۷۹)، *اساطیر جهان*، ترجمه‌ی عبدالحسین شریفیان، جلد ۱و ۲، چاپ اول، تهران: اساطیر.

قرشی، امان‌الله (۱۳۸۰)، *آب و کوه در اساطیر هند و ایران (درآمدی بر علم اعلام جغرافیایی هند و اروپایی)*، تهران: هرمس.

یاحقی، محمدجعفر (۱۳۷۵)، *فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی*، تهران: سروش.

ـــــــــــ . (۱۳۸۸)، *فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها*، چاپ دوم، تهران: فرهنگ معاصر.

Harrison, jane elen (1963), *Themis: study of the social origins of Greek religion*, world pub. Co.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-03]

Melmodas in the Scope of Water Mythology

Sara Abbasi [1]

Abstract

Melmodas is a beautiful and seductive woman who attracts men with a fragrant, singing scent and slices them between her saws. This myth is related to the Persian Gulf and is similar to the Greek Sirens. This research has been done analytically in order to understand the mythical status of this character as well as to understand its roots. In examining Melmodas's myth, according to the theorists, it is understood that this case study is the birth of a double Anahita. In examining the appearance and affinity of Melmadas with Anahita, we come to a dualism and the contrast of two myths. As perceived, Melmodas represents the transition from motherhood to patriarchy, which expresses the anger of human nature.

Keywords: Melmodas, Myth, Woman, Water, Anahita.

1. lecturer of Fatemieh Bandar Abbas Technical School, MSc in Animation, Tehran University of Surah.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-03]